

دیپلماسی و امنیت جهانی بعد از «کریمه»

ادامه از صفحه ۷

رییس‌جمهور روسیه با ایجاد چنین تحولی در واقع باراک اوباما را بعد از گذر دل‌مشغولی‌هایش در قاره آسیا با حرکت‌دادن مهره اوکراین،رییس‌جمهور آمریکا راناگزیر کرد بار دیگر توجه جدی خودرا به آن منطقه جلب کند. سفر اخیر اوباما به اروپا که به بهانه مذاخلات نظامی روسیه انجام گرفت خود نکته‌ای قابل ملاحظه است. چه‌سایا شاید هم درست به موقع بود که درسفر خود به بلژیک طی مراسمی از سربازان فداکار آمریکایی در جنگ جهانی اول قدردانی کرد.اوباما به تعبیری خواست در این سفر به اروپا اعلام کند که حفظ امنیت این قاره برای آمریکا بسیار بااهمیت است. وی در این سفر به قدرت‌های اروپایی اعلام کرد که رابطه آمریکا با اروپا تجویلی مهم را در پیش‌رو خواهد داشت. البته رابطه‌ای که با حبجیم‌شدن حوزه اتحادیه اروپا شرایطی پیچیده پیدا کرده است. به نظر اوباما ضعف‌های مدیریتی، منطقه اروپا را با بحران یورو روبه‌رو کرده و مواجهه جهان با تحولات اخیر اوکراین نباید اجازه دهد تا نسبت به آن کم‌حذقی کرد.

با وجود همه مشکلات ناشی از توسعه روابط آمریکا با اتحادیه اروپا مدتی است که تعاملات سیاسی طرفین افزایش یافته و نباید از نظر دورداشت که در گذشته آمریکا طرفدار پروپاقرص همگرایی اروپا و مشوق منطقه یورو بوده و بریتانیا را نیز برای پیوستن به اتحادیه اروپا رها نکرده بود. تلاش‌های اخیر آمریکا که باعث ملاقات‌های هیلاری کلینتون و جان کری با کاترین اشتون شد که متعاقب آنها اشتون توانست با ۲۸ وزیرخارجه اروپا در مورد لزوم تنظیم سیاست خارجی و نحوه مقابله با تهدیدهایی از تروریسم گرفته تا حملات سایبری، برنامه هسته‌ای ایران و… کار کرده روند روابط سیاسی آمریکا را با حوزه اروپا به جایی برسد که اگر هنوز آمریکا قدرت بالمنابع جهان است، اروپا هم را با شریک جدانشدنی آمریکا بوده و کانسخفاص تمایل چنین رویکردی را دارد. در این میان توجه جدی آمریکا به حضور نظامی اتحادیه اروپا نیز جلب شده که پس از مخالفت کشورهای فرانسه و آلمان در جنگ ۲۰۰۳ عراق، چنین ذهنیتی بیشتر شده است. تلاش‌های روشنفکرانی چون یورگن هابرماس و ژاک دریدا که روزگاری اعلام کردند که: «اروپا برای حفظ تعادل در برابر هژمونی آمریکا باید در وزنه قدرت سیاسی خود در جهان تجدیدنظر کند.» هم نتوانست به نتیجه عملی خاص ختم شود؛ اما نگرانی بزرگ فعلی اروپا هم به هژمونی آمریکا محدود نمی‌شود بلکه بیشتر به نوعی لاقیدی آن مربوط می‌شود و در مقابل هم ترس ازحفظ مساله رقابت نظامی اروپا نبوده بلکه برچسب عدم‌صالحیت قدرت اروپا را مورد سوال قرار داده است. بنابراین، چنانچه کشورهای اروپایی بخواهند برای مثال در قاره آفریقا سیاستی را به پیش ببرند آمریکا می‌خواهد اینگونه به اروپا بفهماند که اجرای سیاست‌هایش با همکاری و کمک آمریکا باشد؛هرچند بسیاری اعتقاد دارند باید گزینه اقتصادی را که رکن بسیار مهمی است در محاسبات و تحلیل‌های این منطقه را برعهده گرفته از طرفی به قول یکی از مقامات رسمی اقیانوس اطلس (تی‌تی‌ای) این امید را در دل دارند که در آینده نزدیک بتوانند بدنه اقتصادی ناتو را موجودیت بخشند،هرچند این مجموعه مدت‌هاست که برای تحولات سیاسی در منطقه خود تلاش می‌کند اما از برخی موانع هم برخوردار است. فرانسه بخش سعمی و مصری مجموعه را برعهده گرفته از طرفی به قول یکی از مقامات رسمی اتحادیه اروپا، در حال حاضر بسیاری از مردم مسکو از عدم موفقیت مجموعه فوق خرسند خواهند بود. موفقیت شرکای تجاری فوق به آن جهت کمک می‌کند تا در صادرات گاز به اروپا گام بردارد و البته اوباما هم مایل است در جهت کمک به اروپا وابستگی خود را به روسیه کاهش دهد؛روسیه‌ای که در حال حاضر یک‌پنجم امتیاز انتقال گاز به اتحادیه اروپا را در دست دارد.

بحران اوکراین و تقویت قدرت منطقه

همان گونه که بررسی سقوط رژیم «ویکتور یانوکویچ» در اوکراین نشان داد، موج اعتراضات علیه وی نفعاتی در خود کشور، بلکه به یکی از مراکز اروپایی یعنی لندن هم کشیده شد. گروهی از مخالفان رژیم وی با اجتماع در محوطه بیرینی هاید پارک با سردادن نام «ارنات آخمدوف» ثروتمندی اوکراینی که فردی حامی رژیم گذشته بود از وی طرفداری می‌کردند. اوکراینی که با مشکلات فراوان، مدت زمان زیادی را با طرفداران و حامیان قدرت سابق دست به گریبان بود. اما در سراسر جهان رابطه بین سیاست و تجارت لازم و ملزوم هم شده. چه، وقتی به انتخابات آوریل و می گذشته هند نگاه می‌کنیم با وجود ظاهر پرگزاری انتخابات شاهد هم‌پرسی برای استقرار نوعی از سرمایه‌داری هستیم؛ نخست‌وزیر ترکیه که اخیراً به رسوایی دست‌داشتن در فساد مالی از سوی مخالفان به باد انتقاد گرفته شد که در جریان چنین شایعه‌سازی میلیون‌هافر از مردم این کشور به سادگی و فقط با فشاردادن دگمه موس بر «یوتیوب» از این موضوع باخبر شدند. در پنجم مارس گذشته هم رییس‌جمهور چین به مردم کشورش قول داد تا بدون هیچ‌گونه بخشش و ترحمی علیه فساد، باعث آرامش روحی ملتش شود. چراکه آمار بالای تنبیه ۱۸۲ هزارفرز در سال گذشته که به نوعی مرتکب تخلفات قانونی شده بودند بسیار بیشتر از تخلف ۲۰۰ هزارفرز در سال گذشته است. در آمریکا و یابانی قرن بیستم بود که طبقه متوسط جدیدی ضمن اعلام حضور درخواست‌های دیگری از قدرتمندان جهان داشتند. آنها طرفدار سیستم‌داری هستند که هدفشان فقط پول به جیب‌زدن نباشد و همچنین جوانان رقابت سرمایه‌داران بانفوذی بودند که بتوانند به نیازهای روز زندگی جامعه عمل ببوشانند. به عبارتی دیگر، طبقه متوسطی که جویای انقلابی برای حفظ سرمایه‌داری از متوالان بودند. آنچه درحال مشاهده در جهان نوظهوری چون چین هستیم درواقع ارتباط تنگاتنگ سیاست و ثروت است. در کشور که یکسوم میلیاردهای آن اعضای احزاب سیاسی نیز هستند، دیگر رقابتی سالم برای توسعه تجاری در کار نیست. بررسی تحقیقی اکونومیست از گسترش رابطه فیمابین سیاست و ثروت در کشورهای جهان نشان داد که بخش‌هایی چون معادن، نفت و گاز، بانکداری و مراکز تفریحی خاصی به‌طور ویژه‌ای به حکومت‌ها وابسته هستند. برای نمونه،

ادامه از صفحه ۷

مردم نگرانند تا نکند نشست کربن-مضالاتی ایجاد کند

آفریقای شمالی هرچند میدان بزرگ گازی دارد، ولی تهدیدات تروریستها و سایر ناآرامی‌ها آن را بلااستفاده گذاشته. واردات ایتالیا از لیبی که روزگاری تامین‌کننده گاز بود در سال ۲۰۱۳ از ۱۱/۹ درصد کاهش تولید داشته و همچنین تولید تامین‌کننده الجزایری نیز تا ۴۰ درصد کاهش داشته است. درباره حوزه‌های گازی که درزرت چین می‌توان گفت؟ اروپا دارای ظرفیت بالای گازی است که سال ۲۰۱۲ برابر ۴۵۷/۲میلیاردمترمکعب گاز بسیار کمتر از سال ۲۰۱۱ (۶۲) وارد کرده است. اما درعین حال، اگر انتقال از طریق اوکراین به علت قطع کامل نباشد، اروپا نیازمند مقدار ۱۱/۷۰۰میلیاردمترمکعب کسری گاز (کمتر از نصف گاز مصرفی سالانه آلمان) خواهد بود. اضافه بر معضل اقتصادی که از کسری ۳۰میلیاردمترمکعب گاز ناشی می‌شود، رهبران اروپا موضوع کمک به پرداخت بدهی‌های اوکراین را نیز خواهند داشت. بنابراین همین مساله یکی از دلایلی است که باعث گرانی هزینه گاز می‌شود. از جانب دیگر، قطع کامل سوسیپدهای انرژی و مصرف بی‌حساب‌و‌کتاب گاز در اوکراین به یقین این کشور را نیازمند صندوق بین‌المللی پول خواهد کرد. همچنین جامعه اروپا در طولانی‌مدت، برنامه کاهش اتکای خود به روسیه را با توجه به افزایش مقدار مورد نیاز گاز خود در دهه آینده به‌عنوان چالشی مهم روبرو خواهد داشت. پیش‌بینی شده میزان واردات گاز مصرفی اروپا از روسیه از ۲۲۷میلیاردمترمکعب امروز به ۴۱۳میلیاردمترمکعب در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. در ماه مارس رهبران اتحادیه اروپا طرحی

نظم نوینی در راه است؟

دیپلماسی و امنیت جهانی بعد از «کریمه»



گروه‌های فشار دارای نفوذ بسیار زیادی در قدرت سیاسی آمریکا هستند. کسانی که از طریق سرمایه‌داری کار انتقال سطح بسیار بالایی از ثروت‌های جهان را در دست دارند. کارفرمایان و مدیران بزرگ اقتصادی اینترنتی امروز می‌توانند شبکه‌های تجاری انحصاری فردا باشند. مشکل، بیشتر در میان جهان نوظهور است که ثروت‌اندوزی میلیاردها در آن به میزان دو برابر ثروت جهان ثروتمند بالغ خواهد شد. امروزه، رهبران سعی بر آن دارند تا از آزادی‌ای که اسلافشان داشتند کمتر برخوردار باشند حکومت‌ها تلاش دارند تا کشورهای خود را به ثروت رسانده و مردم خود را از طریق کمک به نیازمندی بازار کار آنها خوشحال نگه دارند؛برزیل، هنگ کنگ و هند با تقویت مخالفان تراست‌ها و کمزیک با تلاش برای زدودن کارتل‌های رسانه‌ای و چین از طریق مقابله با نیول‌ها در مسیر چنین سیاستی هستند. قدرت تجارت را به خوبی می‌توان در کشورهایی که یف پس از اینکه اوکراین طرح پیشنهادی تجارت آزاد اتحادیه اروپا در نوامبر گذشته را رد کرد، مشاهده کرد. نکته شگفتی آفرین، این است رهاکردن چنین مساله بحرانی آمریکا و دولت‌های اروپایی در دستان گروهي از فن‌سالاران اتحادیه اروپا بود. برای همین است که مواجهه با روسیه بسیار سخت شده و حتی اتحادیه اروپا خیلی بیشتر از آمریکا نگران تحریم علیه روسیه بوده؛بنابراین ضمن احتیاط کامل بسیار کمتر از آمریکا از اعمال تحریم‌ها پیروی می‌کند. خیلی از اعضای اتحادیه اروپا مخالف تحریم‌های بیشتر اقتصادی هستند که البته نباید در این میان، از تمایل اروپا در منافع مالی از روسیه چشم پوشید. از طرفی، اتحادیه اروپا هنوز تجهیزات نظامی قدرتمندی داشته و حجم مبادلات تسلیحاتی اروپا با روسیه بسیار بیشتر از آمریکاست. طبقه نخبه روسی بیشتر از نخبگان آمریکایی در اروپا ارزش دارند و در کارزار اوکراین، اوکراین بهترین منطقه جهان در کمک به موفقیت دومین انقلاب هرمسالا، پس از شکست اولین جنبش نانجی محسوب می‌شود. طی هفته‌ای که گذشت، رهبران اتحادیه اروپا موافقت‌نامه‌ای را با اوکراین به امضا رساندند تا مرزهای خود را برای واردات اقلام از اوکراین باز کنند. همکاری‌های بیشتر اروپا با اوکراین، بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در ماه می خواهد بود. همچنین، موافقت‌نامه مشابهی هم با گرجستان و مولدوی به‌عزودی به امضای طرفین می‌رسد. پوتین نتنها روابط کشورش را با آمریکا و اروپا گسترش داده، بلکه با وجود برخی همکاری‌های ضروری، نسبت به کاهش تعامل با بسیاری از شرکای شوروی سابق تصریح کرده است.

جنگ جدید لیتوانی در مقابله کرملین و غرب

کرملین، الحاق کریمه را همانند پیروزی روسیه در جنگ دوم جهانی و نه صرفا اضافه‌شدن وسعت سرزمین خود جشن می‌گیرد و مردم آن نیز از این پیروزی به شغف زایدالوصفی رسیدند؛که در این میان نقش تبلیغی رسانه را نمی‌توان نادیده گرفت. ناگفته نماند که مردم روسیه برای مدت‌زمان مدیدی آماج خبری خشونت، بدبختی و فلاشسم در اوکراین شده بود. درخصوص کریمه تلویزیون نقش بسیار مهمی را ایفا کرد. تلویزیون دولتی روسیه به‌ویژه بینندگان آن در کریمه از مردم وفادار خود دفاع و حمایت کرده و با اقدامات و سیاست‌های حکومتی کرملین حق می‌داند.

تبلیغات رسانه‌ای باافاصله پس از اعتراضات کی‌ف در برابر نقشه‌های غرب آغاز شد. پوتین طی سخنرانی خود در برابر اجتماع باشکوه مردم در میدان سرخ گفت: «پس از مدت طولانی کریمه و سواستوپول به خانه خود یعنی روسیه بازگشت» کسی چه می‌داند پوتین از چه زمانی به فکر چنین رزی بود، برخی، جنگ در گرجستان در سال ۲۰۰۸ مطرح کرده‌اند. سال گذشته تغییرات مدیریتی در تلویزیون رخ داد و همچنین مدیر خبرگزاری دولتی تغییر کرد و مدیر فعلی که یکی از مهره‌های کلیدی رییس‌جمهوری است در لیست سیاه تحریم اتحادیه اروپا قرار گرفت.

اطلاعات و اخبار گم‌راه‌کننده و توهین‌آمیز از روسیه با آنچه در مورد شوروی روی می‌داد چه در نوع یا شدت متفاوت بود.

روسیه و امنیت انرژی اروپا

را از کمیسسیون برای کاهش وابستگی انرژی خواستار شدند. به عبارتی، کمک به ذخیره‌کردن ظرفیت‌سازی برای آینده را مدنظر داشتند. چنین سیاستی می‌تواند ضمن ذخیره‌سازی استراتژیک گاز موجب افزایش کارآی انرژی نیز نشود. طرح بهره‌برداری از خطوط جدید انتقال گاز همچون خط لوله جنوب روسیه همانند شمال موجب کاهش وابستگی صادرات شرکت گازپروم اوکراین می‌شود. تکمیل طرح تا سال ۲۰۱۸ همراه با ظرفیت ۳میلیاردمترمکعب خواهد بود. همچنین اروپا به‌اندوخته‌های گازی خود را توسعه می‌دهد. اتصال اتحادیه اروپا به مرکز تحقیقات می‌تواند از نظر فنی منابع گازی اروپا را حتی تا ۱۱/۷۰۰میلیاردمترمکعب که در حدود یک‌چهارم ذخایر گازی آمریکاست برساند اما برخی موانع قانونی و فنی صور گاز اروپا را به‌راحتی ممکن نخواهد ساخت. یکی از مراکز تحقیقاتی پیش‌بینی کرده تولید گاز اروپا بسیار کمتر از آمریکا و رو به کاهش است. فقط در ناحیه مرزی نگراس- لوسبانا در آمریکا تولید گاز با ظرفیت دومیلیاردمترمکعب در سال ۲۰۱۵ به بهره‌برداری خواهد رسید. البته بسیاری از طرح‌ها به‌بستگی به‌کارآفتادن سرمایه‌ها دارد. سرمایه‌گذاران بخش خصوصی هم با احتیاط عمل کرده و نمی‌خواهند برخی ریسک‌ها را بپذیرا باشند. برای نمونه، اینکه اروپا خواسته باشد با چرخشی ناگهانی گاز ازان روسیه را در برنامه خود نگذارد همچنین بحران اوکراین آمریکا را از تداوم حمایت از هم‌پیمانان خود به چالش کشیده و نکته فراموش‌نشدنی اینکه بجای محدودیت

جهان

دیده

شطرنج روسیه در اوکراین

بابک قربایی‌مقدم

انتخابات در کریمه برای تأیید جدایی این منطقه از اوکراین و الحاق آن به روسیه انجام شد و با تأیید اکثریت قاطع شرکت‌کنندگان به این روند، پارلمان این منطقه از روسیه خواست تا الحاق کریمه به روسیه را تأیید کند. به‌دنبال تأیید درخواست مذکور در دوماي روسیه، شورای فدراسیون روسیه و امضای رییس‌جمهور روسیه (ولادیمیر پوتین)، کریمه رسماً به خاک روسیه ملحق شد.

بدون شک این روند مورد تأیید بخش مهمی از جامعه جهانی و اوکراین نخواهد بود اما آنچه عملاً در کریمه رخ داده است، منافی جز محقق‌شدن این جزیره مهم و استراتژیک به خاک روسیه نداشته و اوکراین به‌طور کامل کنترل این جزیره را از دست داده است. تعداد کثیری از مردم کریمه در حال دریافت شناسنامه‌های روسی خود و تحویل شناسنامه‌های اوکراینی بوده؛ ضمناً استفاده از روبل، واحد پول روسیه در این جزیره آغاز شده است. در طول چند روز پس از اعلام استقلال کریمه از اوکراین و الحاق آن به روسیه، تمام پایگاه‌های نظامی اوکراین در کریمه به کنترل روسیه درآمد و دولت اوکراین بالاخره مجبور شده است تا برای حفظ جان کرملین به‌دنبال آماده‌کردن مردم برای برنامه نزول اقتصادی است که مقصر و بانی آن آمریکاست. همه این ترندها بی‌دلیل هم نیست. چه، کرملین به‌خوبی می‌داند که هدف مهم غرب و آمریکا ایجاد اغتشاش، نامتی ناشی از اعمال تحریم و در نهایت ماجراجویی تازه دیگری در منطقه بالکان بود.

شرایط در حوزه بالکان

وزیر امورخارجه لیتوانی می‌گوید: «مانگارائیم امانیاد دچار هیجان هیستریک شویم.» همچنان که بحران اوکراین پیش می‌رود، لاتویا، استونی و لیتوانی، سه منطقه حوزه بالکان به‌طور فزاینده‌ای به دلایل تاریخی، جغرافیایی و زبانی تحت فشار روسیه خواهند رفت. کشورهای حوزه بالکان روزگاری و برای قرن‌ها جزء لانفک قدرت روسیه به‌شمار رفته و برای ۵۰سال تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی درآمد. حدود یک‌چهارم مردم استونی و ۲۰ درصد مردم لاتویا گویش‌های بومی روس دارند. درحالی‌که از بین همه مردم حوزه بالکان برخی روسی و بسیاری دوزبان‌ه‌اند، اما در لیتوانی، یکی از هر پنج ازدواج ترکیبی از نژادهای زبانی است. رهبران بالکان درباره خطر توسعه‌طلبی روسیه که تاکنون مورد توجه جدی ناتو و اتحادیه اروپا واقع نشده، هشدار داده‌اند. رییس کمیته امور بین‌الملل پارلمان استونی اعتقاد دارد: «روسیه را دیگر نمی‌توان روسیه کنونی دانست. چراکه این کشور به سیاست توسعه‌طلبی خود ادامه داده و تازه جنگ با گرجستان در سال ۲۰۰۸ اول ماجرا بوده است.» نگرش غرب نیز به الحاق کریمه تغییر یافته و بیشتر حوزه غرب اروپا مخالف نظر کشورهای حوزه بالکان در مورد تسبیست مقابله با توسعه‌طلبی روسیه‌اند. اتحادیه اروپا هم ضمن مخالفت با ضمیمه‌شدن کریمه به خاک روسیه تصمیم به اجرای برخی تحریم‌ها علیه روسیه شامل مسدودشدن دارایی‌ها و ممنوعیت سفر مقامات حکومتی روسیه به کشورهای حوزه اروپا وضع کرده است. برخی از مقامات بالکان ضمن انتقاد تند اعتقاد دارند که فهرست ۱۲ نفره از مقامات روس که توسط تحریم‌های استونی و لاتویا نیز مهم است چراکه ۱۰ درصد تجارت این تنها گزینه موفق در برابر توسعه‌طلبی روسیه توسط جامعه جهانی و خاصه اتحادیه اروپا را در اعمال تحریم‌های شدید و جدی اقتصادی و نیز هشدار لازم درمورد حضور نظامی غرب در حوزه بالکان می‌داند که این امر خواهد توانست روسیه را از سیاست‌های آتی توسعه‌طلبی خود بازدارد. از جانب دیگر، اعمال تحریم‌های اقتصادی برای حوزه بالکان هم گران تمام می‌شود. چه، روسیه بزرگ‌ترین شریک تجاری لیتوانی است (۲۵ درصد کل تجارت). شرایط برای استونی و لاتویا نیز مهم است چراکه ۱۰ درصد تجارت این کشور از روسیه تامین می‌شود. محصولات کشاورزی و تهیه و تولید منابع اولیه غذایی در این حوزه بستگی زیادی به تعاملات با روسیه دارد. انرژی و گاز بالکان نیز از آن کشور تامین می‌شود. بی‌شک، رهبران بالکان انتظار دارند تا فشار غرب در برابر الحاق کریمه به روسیه بیشتر شود. روسیه نیز کشورهای حوزه بالکان را تهدید به تحریم واردات از لتونی یا افزایش قیمت گاز به آن کشور کرده است. در بررسی‌ای که انجام شده از هر سه تبعه روسی در کشور لتونی دینفر از الحاق کریمه به روسیه استقبال می‌کنند.

اما با نگاه روشن به موضوع، سیاستمداران بالکان امیدوارند تحولاتی که روسیه باعث آن شده بتواند غرب را بیدار کرده تا ضمن پی‌بردن بیشتر به اهمیت منطقه نسبت به نگهداری موقعیت خود در منطقه تلاش جدی‌تری کند.

❖منبع:اکونومیست



❖منبع:اکونومیست

روزنه

نبرد زنانه علیه پارلمان‌های خاور میانه

نوژن اعتضادالسلطنه

شورش در استان «انبار» عراق، اعزام نیروهای نظامی عراقی برای مبارزه علیه عناصر «القاعده»، بحران سوریه و تنش در مرزهای آن در کشور با لبنان و بمب‌گذاری‌های متعدد طرفین هوادار و مخالف «اسد» در لبنان همگی از جمله موضوعاتی هستند که در صدر اخبار بین‌المللی ماه‌های اخیر قرار گرفته‌اند. این در حالی است که در لایه‌های زیرین جوامع خاورمیانه تحولاتی در حال روی‌دادن است که موجب نگرانی فعالان حقوق زنان را فراهم آورده است.

روز سه‌شنبه، طرحی تحت عنوان «جرایم مرتبط با خشونت خانگی» در پارلمان لبنان به تصویب رسید که بسیاری از منتقدان آن را برای حمایت از حقوق زنان ناگفتی دانستند. گروه غیردولتی لبنانی «کفی» با شعار «خشونت و استثمار بس است»، فهرستی از اشکالات وارد بر قانون جدید را ارائه کرده است. این گروه و سایر منتقدان بر این باورند که عدم ذکر مورد «تجاوز زناشویی» (تن‌دادن زن به رابطه اجباری با شوهر) یکی از نواقص اساسی قانون کنونی بوده است. قانونگذاران لبنانی در حالی با رویکرد محافظه‌کارانه نسبت به موضوع تجاوز زناشویی بی‌توجه بوده‌اند که پیش‌تر اصلاحیه‌ای در این‌باره به پارلمان ارائه شده بود.

لبنان یکی از لیبرال‌ترین کشورهای خاورمیانه است اما تاکنون قانونی برای حفاظت از زنان در برابر خشونت مردان در آن کشور وجود نداشته است. تنها یک قانون تصویب شده بود که طبق آن فرد متجاوز در صورت ازدواج با زن موردتجاوز واقع‌شده در امان باقی می‌ماند؛ قانونی که خود از دید منتقدان ناقض کرامت انسانی زنان بوده است. با این حال، زنان لبنانی پیش‌تر نیز تبخواستار تصویب قانونی برای حمایت از حقوقشان شده بودند. در سال ۲۰۱۰ میلادی، پیش‌نویس لایحه محافظت از زنان در برابر خشونت به پارلمان آن کشور ارائه شد اما تصویب نهایی آن به دلیل وضعیت بحرجن بحران سوریه و اختلافات سیاسی در کابینه لبنان به تأخیر افتاده تأخیری که با مرگ دو زن بر اثر ضرب‌و‌شستم توسط همسرانشان همراه شد. کم‌توجهی نمایندگان پارلمان لبنان خشم زنان آن کشور را به‌همراه داشت و موجب آغاز اعتراضات آنان از روز هشتم مارس (روز جهانی زن) گذشته شد که در جریان آن چهارهزار زن، مرد و کودک لبنانی تظاهراتی را با شعار «اگر به قانون حفاظت از زنان کشور رای ندهید به شما رای نخواهیم داد» به سمت کاخ دادگستری آن شهر آغاز کردند.

فعالیت مغایر با منافع زنان به لبنان محدود نشده و در پارلمان سایر کشورهای خاورمیانه نیز در جریان است. اگر نمایندگان لبنانی با زیرکی از کنار اصلاحیه قانون جدید گذشتند کمی آن‌سوتر در بغداد پارلمان عراق پیش‌نویس قانون خانواده جدیدی را آماده کرده که طبق آن زن برخلاف میلش مجبور به رابطه اجباری با شوهر خواهد شد و سن ازدواج دختران به سن شرعی ۹سالگی بازخواهد گشت. در پیش‌نویس قانون جدید همچنین شرایط چندهمسری مردان و اعمال ممنوعیت بر رفت‌وآمد زن بدون اجازه شوهر تسهیل شده است. البته محتوای پیش‌نویس ارائه‌شده توسط وزیر دادگستری عراق و متحد «نوری مالکی» نخست‌وزیر آن کشور که در تضاد با حقوق اولیه زنان است به اینجا محدود نمانده بلکه طبق آن در صورت طلاق زوجین حضانت کودکان بالای دوسال به پدر داده می‌شود. همچنین طبق این پیش‌نویس «پدر» تنها عضو خانواده است که حق ابراز نظر موافق یا مخالف در مورد ازدواج دختر را خواهد داشت.



تصویب احتمالی پیش‌نویس قانون جدید در عراق شکستی اساسی برای جنبش زنان آن کشور محسوب می‌شود چرا که آن کشور از نظر کسب حقوق اجتماعی زنان پیشتروتر از سایر کشورهای عربی بوده است. در دهه ۵۰ میلادی، عراق نخستین کشور عربی بود که وزیری زن را به خود دید و درخواست زنان برای طلاق از شوهران قانونی شد. در سال ۱۹۵۸ میلادی، شرایط چندهمسری برای مردان دشوارتر از گذشته شد. همچنین طبق قانون آن‌زمان حضانت کودکان پس از طلاق از همسران به مادر داده می‌شد. ممنوعیت بارداری و ازدواج دختران زیر ۱۶سال نیز یکی دیگر از مفاد قانون خانواده پیشین عراق بود. علاوه بر آن، حق رای زنان در دهه ۸۰ میلادی به رسمیت شناخته شد و در سال ۱۹۹۶ میلادی عراق به کنوانسیون منع تمام اشکال تبعیض علیه زنان پیوست.

با این وجود، ازدواج زودهنگام در عراق دارای پیشینه‌ای است که مناز از شرایط و تحولات اجتماعی دوره اس از پایان جنگ خلیج‌فارس و آغاز تحریم‌های بین‌المللی وضع‌شده علیه آن کشور بوده است. علت اصلی افزایش موج چنین ازدواج‌هایی فقر و تنگدستی خانواده‌ها بود؛ وضعیتی مشابه که در افغانستان نیز سال‌ها به‌دلیل جنگ و نظامی‌شدن شرایط وجود داشته است. پس از پایان جنگ خلیج‌فارس، صدام حسین، زمامدار پیشین عراق برای کسب مشروعیت از جانب نهادهای مذهبی با صدور فرمانی در سال ۱۹۹۰ میلادی ممنوعیت افزایش یافته است. در ارتکاب قصورهای ناموسی‌ا را صادر کرد؛ اقدامی که به ضرر جایگاه زنان بود. آمارهای دولتی نشان می‌دهند که در ۲۵درصد از موارد مربوط به ازدواج‌های انجام‌شده در عراق در سال ۲۰۱۱ میلادی زنان زیر ۱۸سال به همسری مردان درآمده‌اند. این میزان در سال ۲۰۰۱، ۲۱ درصد و در سال ۱۹۹۷ میلادی ۱۵ درصد بوده است که نشان می‌دهد ازدواج زیر سن قانونی زنان در عراق طی سالان گذشته افزایش یافته است. پس از سقوط رژیم صدام، زنان عراقی امیدوار به افزایش مشارکت سیاسی و بهبود جایگاه اجتماعی‌شان بودند. با این حال، خطمشی دنبال‌شده از سوی دولت کنونی عراق نشان می‌دهد که سیاستمداران عراقی با ذهنیت مرسس‌الار حاکم بر جامعه آن کشور خواستار به‌رسمیت‌شناختن حقوق زنان نیستند؛ روند نگران‌کننده‌ای که در سایر کشورهای خاورمیانه نیز با ادک اختلاف دیده می‌شود.

ادامه در صفحه ۹